

کانون وکلای

سال چهارم

شهریور ۱۳۳۱

شماره مسلسل ۲۴

نظری باصلاحات - بمناسبت قانون بیستم مرداد ۱۳۳۱

قوه قضائیه یکی از قوا، سه گانه مملکت است که در ردیف دو قوه دیگر ضامن استقرار امنیت قضائی و بقاء استقلال کامل کشور میباشد و بدیهی است که وقتی میتوان انجام وظائف خاصه را از این قوه انتظار داشت که حدودش حفظ گردیده نواقص موجوده آن مرتفع و بدین طریق از آن پشتیبانی و تقویت شود :

در شماره های گذشته تحت عنوان : « لزوم وحدت و تمرکز سازمان قضائی و قوانین آن » مقالاتی در این زمینه نگاشته شده و اینک که بموجب قانون مصوب بیستم مرداد ۱۳۳۱ به جناب آقای دکتر مصدق اختیاراتی برای اجرای اصلاحات در شئون و قوانین کشور داده شده است و قابل تردید نیست که حفظ عظمت و اقتدار قانونی این قوه از شوائب اساسی اصلاحات است بنام سعادت مملکت و رعایت حقوق عمومی اقدامات لازمه را در این باب ذیلا متذکر میشویم :

۱ - انحلال دادگاههای اختصاصی :

اصول ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ متمم قوانین اساسی ما قوای مملکت را ناشی از ملت و سه قوه مقننه و قضائیه و اجرائیه منقسم نموده و انفکاک کامل این سه قوه را برای همیشه از یکدیگر مقرر داشته سپس در اصول نوزده گانه (۷۱ تا ۸۹) تحت عنوان : « اقتدار محاکمات » مرجع رسمی تظلمات عمومی را محاکم آن دانسته و جز محاکم شرع و نظام (در امور مخصوصه بآنها) تشکیل هیچگونه محکمه اختصاصی را بهر عنوان که باشد اجازه نداده است . بنابراین کلیه محاکم اختصاصی فعلی بایستی از بین برود و قوانین مخالف اصول آن نیز فسخ و الغاء گردد . در حالت حاضره يك قسمت از

این سازمانهای برخلاف اصول و غیرقانونی در خارج از محیط قوه قضائیه وجود دارد و آن عبارتست از :

دیوان دادرسی دارایی با محاکم و دادستانی عربی و طولی آن و کمیسیونهای تشخیص در وزارت دارایی :

هیئتهای تحقیق اوقات در وزارت فرهنگ :

مداخله نایب الحکومه ها (یا بخشداران) بسمت مأمور صلح و حکام (یا فرمانداران) و امنیه (یا ژاندارمری) بعنوان جلوگیری از تصرف عدوانی و رفع مزاحمت و نیز کمیسیونهای تشدید مجازات و کمیسیونهای تشخیص شهرداریها در وزارت کشور :

در حکومت ملی که بتعریف معروف حکومت مردم بر مردم است تفارقی نیست بین آنکه مردم از همدیگر شکایت داشته باشند یا از دولت و یابالعکس همچنین فرقی ندارد که اختلاف بر سر حقوق و دارایی منقول یا غیر منقول اشخاص باشد یا در مورد دیون قانونی و اموال عمومی (مانند مالیاتها و املاک دولتی) در اینصورت معنی ندارد که قوه اجرائیه با تشکیل سازمانهای مزبور برای خود دستگاه دادگستری اختصاصی و جداگانه ایجاد نموده و برخلاف اصل انفکاک قوا یک قسمت از وظائف مختصه قوه قضائیه را بخود اختصاص دهد. و چون در شماره های ۱۱ و ۱۵ مجله تا آنجا که ممکن و میسر بوده مقررات این تشکیلات و مداخلات غیرقانونی را تشریح و راه حفظ هرگونه مصالح مشروعی را که دولت از تشکیل آنها ممکن است در نظر داشته باشد نشان داده ایم از تکرار آن در این شماره خودداری و بقسمت دیگری بردازیم :

قسمت دیگر این تشکیلات مخالف اصول و قانون در محیط وزارت دادگستری است ! باسامی ابتکاری :

دیوان کیفر کارمندان و کارکنان دولت متضمن محاکم و دادرسی اختصاصی و بااختیاراتی عجیب و افراطی برای بازپرسان و دادستان حتی وزیر دادگستری :

هیئتهای رسیدگی بدعاوی اشخاص نسبت با املاک و اگذاری :

اداره یا شعب تعدیل اجاره بها برای رسیدگی بدعاوی و اختلافات مالک و مستأجر :

در مورد بوجود آمدن دیوان کیفر شاید نظر این بوده است که کارمندان متخلف از وظیفه و متخلفین یا رشوه خواران و دست یاران آنها تحت تعقیب سریع قرار گرفته شدیداً مجازات شوند و بدین وسیله از اعمال سوء آنان جلوگیری بعمل آید ولی گذشته نشان داد که این حربه مؤثری برای این منظور نیست و يك مراجعه و مقایسه اجمالی بآمار سنواتی این دستگاه و پرونده های متراکم آن بخوبی ثابت مینماید که نه فقط از جرائم مزبوره جلوگیری نشده بلکه متوالیاً درتزايد است علاوه اینکه تشکیل يك دادگستری اختصاصی برای مأمورین و عمال دولت متضمن اهانت بدستگاه دولت و تصدیق ضمنی بفساد عامه کارکنان آن میباشد و حال آنکه حقیقت امر بر خلاف آن است .

قابل توجه میباشد که وزارت دادگستری نیز مورخ پنجم اردیبهشت ۱۳۳۰ بشماره ۲۲۴۱ لایحه ذیل را در دوره شانزدهم بمقام مقنن پیشنهاد و تقاضای انجلال آنرا نموده است .

ریاست محترم مجلس شورای ملی

طرح ذیل راجع بانجلال دیوان کیفر در تحت ۵ ماده تهیه و برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم میشود :

ماده اول - از تاریخ تصویب این قانون دیوان کیفر کارمندان دولت منحل و وظائف دیوان مزبور بدادسراها و دادگاههای عمومی محول میشود .

ماده دوم - تعقیب و دادرسی مأمورین دولت که متهم بارتکاب بزه میباشند و رسیدگی بانها در صلاحیت دیوان مزبور بوده طبق قانون آیین دادرسی کیفری بعمل خواهد آمد .

ماده سوم - دادرسان و کارمندان اداری دیوان کیفر در دادرها و

دادگاههای عمومی و دفاتر آن و سایر سازمانهای دادگستری بکارگماشته خواهند شد .

ماده چهارم - کلیه قوانین و موادی که مربوط باصول دادرسی در دیوان کیفر وضع شده و تابحال مجری بوده و همچنین قانون اصلاح بعضی ازمواد قانون دیوان کیفر مصوب دوم مرداد ۲۸ نسخ میشود .

تبصره - قوانین و مواداصلاحی مجازاتی که مربوط بکارمندان دولت بوده بقوت خود باقی و مجری خواهد بود .

ماده پنجم - وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون میباشد .

وزیر دادگستری

نخست وزیر

امیر علائی

حسین علاء

دادگاههای اختصاصی املاک و اگذاری باین ترتیب ایجاد شد که : مقارن کناره گیری شاه سابق اساساً « و با تحریکاتی که میشد احساسات عمومی در اکناف مملکت بر علیه فقید مزبور بشدت درغلیان بود و عمده بلکه اساس آن تشنجات فریاد مالکینی بود که املاکشان قهراً « انتقال یافته یا تصرف شده بود و متدرجاً « بصورت بلوا و شورش در نقاط مختلف ظاهر گردیده فکر دولت وقت را بیشتر از این نظر که املاک مزبور ببدأ « بدولت منتقل شده بود مشغول مینمود و نتیجه تشکیل کمیسیون مخصوص و تعاطی افکار این شد که قانون مخصوصی بنام «قانون راجع بدعای اشخاص نسبت باملاک و اگذاری مصوب ۱۲ خرداد ۱۳۲۶، توأم با آیین نامه خاصی در این باب، وضع گردید و بموجب آن هیئتهای نخستین و تجدید نظر بوجود آمد و منظور اساسی از این اقدام آنکه این قبیل دعای بطور مرتجل و حتی الامکان باختصار در آن مراجع رسیدگی و حل و فصل گردد :

ما فعلاً « کار نداریم باینکه این اقدام مخالف اصول تاجه اندازه ممکن بود مورد داشته باشد و طرز رسیدگی و دادنامه های این محاکم صحیح یا سقیم بوده و . بالاخره منظور دولت از این اقدام تأمین گردیده است یاخیر ولی لازم میدانم باین نکته توجه شود که باتسکین یا از بین رفتن احساسات مولد این هیئتها و برگشت املاک مزبور

از دولت و فرار گرفتن آن بعنوان «موقوفه خاندان پهلوی» در شمار موقوفات دیگر
موجبی برای وجود هیئتهای مزبور که يك نوع دادگاه اختصاری ابتکاری و مخالف اصول است
باقی نماند مخصوصاً که هیئتهای مزبور جز قسمتی که در تهران موجود است کارشان
تمام شده و برای بقیه پروندههای موجود و املاک از دست رفته دولت وجود هیئتهای
خاصی ضرورت ندارد لذا این دادگاهها بایستی منحل شود که و اموری که در شعب آن
در جریان است مانند سایر تظلمات عمومی بمراجع صلاحیتدار و قانونی آنها که محاکم
عمومی است ارجاع گردیده و طبق قانون مخصوص املاک و اگذاری آنها رسیدگی شود.

اداره یا شعب تعدیل اجاره بها دارای این سابقه است که در سنواتی حتی قبل
از شروع دوره کودتا از طرف عدهای از مالکین خانهها و مستغلات بمنظور افزایش
متوالی مال الاجاره نسبت بمستأجرین بهانه جوئی یا بی انصافی و مزاحمت میشد و آنان
نیز برای نجات از این مضیقه بنام «اتحادیه مستأجرین» اجتماع قابل توجهی
بوجود آورده و بدین وسیله بنای مقابله را گذاشته حل اشکال را از اولیاء
امور تقاضا داشتند :

بالاخره شکایات عدیده این اتحادیه در دوره دیکتاتوری باین نتیجه رسید
که مقررات خاصی تحت عنوان «آئین نامه تعدیل مال الاجاره» تدوین و برای اجرای
آن شعب نخستین و تجدیدنظر در اداره ثبت اسناد و املاک تشکیل گردید و باتغییرات
متناوبی که در آن حاصل شد بصورت امروزی وجود دارد :

البته رعایت حال مستأجرین و حفظ آسایش و آرامش آنان از تکالیف مهم هر
دولتی بوده و هست ولی این اقدام میبایستی بامراعات حال و حقوق طرفین و حفظ اصل
مالکیت بعمل آمده باشد و اجرای هرگونه مقررات خاصی هم که در این زمینه ضرورت
داشته یا حاصل نماید موافق اصول باید از مراجع قانونی آن سازمان قوه قضائیه
خواسته شود :

نه آنکه برای اینکار هم دادگاههای اختصاصی ابتکاری آنها در اداره ثبت
اسناد و املاک ایجاد نمایند.

(اداره ثبتی که باشعب آن از ادارات تابعه وزارت دادگستری و مخصوص اموری غیرقضائی است) و با اصول و رویه‌ای که موافق اصول و مصلحت نبوده و نیست و پس از چندی مستلزم نتیجه‌ای معکوس گردد که اگر در ازمه گذشته فقط مستأجرین از تطاول موجرین نالیده و شکایت داشتند امروز اوضاع اجازه و استیجار اساساً دچار آشفتگی و جریان دعاوی و حل اختلافات مزبور مورد شکایت طرفین باشد و این امر ضروری زندگانی در معرض استفادات سوء اشخاص ناشایسته قرار گیرد :

بعقیده ما این سازمان غیر قانونی نیز بایستی منحل گردد و این قبیل دعاوی و شکایات نیز مانند سایر تظلمات عمومی متناسب نصاب به محاکم عمومی ارجاع گردیده موافق اصول بآن رسیدگی و حل و فصل شود :

هنگامیکه این مقاله تحت طبع و در شرف انتشار بود لوایح قانونی راجع بانحلال دادگاههای اختصاصی دیوان دادرسی دارائی و کیفر کارمندان دولت درجراعه منتشر گردید :

موجب کمال خوشوقتی است که تقویت و بسط اقتدار قانونی قوه قضائیه و استقلال کامل دادگستری مورد توجه جناب آقای نخست‌وزیر و هیئت محترم دولت واقع گردیده است ولی ازاینکه این اقدام کلیت نداشته و در این لوایح نیز استثنائات خلاف اصولی بکاررفته نگرانی حاصل است که نظریات خود را در شماره بعد خواهیم نوشت :